

# کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره ۴۰۰

Jeff Pippenger

2026-02-09

## عدد ۴۰۰

هنگامی که باب بیست و سوم لاویان، در پیوند با خطّ مسیح - جایی که اعیاد بهاری به ضدنمون خود رسیدند - به دو خطّ برابر هر یک بیست و دو آیه‌ای تقسیم شود، می‌توانیم خطی را ترسیم کنیم که با سه گام فصیح شامگاه جمعه، عید نان فطیر در سبت، و نخستینه‌ها در روز نخست هفته آغاز می‌شود. این یک نشان‌راه است، چنان‌که در تعمیم مسیح نمود یافته است، اما همان نشان‌راه واحد سه گام دارد.

هرگاه از رستاخیز آغاز کنیم و ۴۰۰ روز به آینده پیش برویم، به نقطه عطفی می‌رسیم، زیرا در همان هنگام بود که مسیح به تعلیم رو در رو خاتمه داد و در میان ابرها صعود کرد. آن یکصد و ۴۰۰ و چهار هزار تن نیز در ابرها صعود می‌کنند.

و آوازی عظیم از آسمان شنیدند که به ایشان می‌گفت: به اینجا بالا آیید. و آنان در ابر به آسمان صعود کردند؛ و دشمنانشان ایشان را دیدند. و در همان ساعت زلزله‌ای عظیم رخ داد، و یک‌دهم شهر فرو افتاد، و در آن زلزله هفت هزار نفر از مردم کشته شدند؛ و بازماندگان به هراس افتادند و خدای آسمان را جلال دادند. وای دوم سپری شد؛ و اینک وای سوم به زودی می‌آید. و فرشته هفتم در شیپور دمید؛ و در آسمان صداهای بلند برآمد که می‌گفتند: پادشاهی‌های این جهان از آن خداوند ما و مسیح او شده‌اند؛ و او تا ابدالآباد سلطنت خواهد کرد. مکاشفه ۱۱:۱۲-۱۵.

وای دوم و وای سوم اسلام‌اند، و فرشته هفتم همان وای سوم است، که باز هم اسلام است. وای سوم به سرعت با زلزله فرا می‌رسد. زلزله، قانون یکشنبه در ایالات متحده است؛ و ایالات متحده همان وحش برآمده از زمین در مکاشفه باب سیزدهم است، و قانون یکشنبه همان تزلزل است، که همان لرزش است. وحش زمین سرآمد ده پادشاه است، و چون ایالات متحده به هنگام قانون یکشنبه سرنگون شود، یک‌دهم شهر سقوط خواهد کرد. در همان ساعت قانون یکشنبه، دو شاهد که الیاس و موسی نماینده آنان‌اند—همان دو شاهدی که با مسیح در هیأت دگرگون‌شده بر پطرس و یعقوب و یوحنا ظاهر شدند—در ابری به آسمان بالا برده می‌شوند، و همگان می‌بینند، زیرا دشمنانشان ایشان را دیدند.

۴۰۰ روز پس از رستاخیز، عیسی «عروج کرد» و به درون ابرها بالا رفت، و ده روز اقامت در بالاخانه آغاز گردید. عروج، آزمونی بصری است؛ همان‌گونه که دومی از آن سه فرشته نیز چنین است. در هنگام عروج او، فرشتگان اعلام کردند که او با ابرها باز خواهد گشت، همان‌گونه که همین‌اکنون با ابرها عروج کرد.

و چون این سخنان را گفت، در حالی که ایشان می‌نگریستند، بالا برده شد؛ و ابری او را از نظرشان در ربود. و هنگامی که او بالا می‌رفت و ایشان چشم به آسمان دوخته بودند، ناگاه دو مرد با جامه‌های سفید در کنار ایشان ایستادند؛ که گفتند: «ای مردان جلیل، چرا ایستاده‌اید و به آسمان می‌نگرید؟ این همان عیسی که از نزد شما به آسمان برده شده است، به همان‌گونه خواهد آمد که دیدید او به آسمان رفت.» اعمال رسولان ۹:۱۱.

بازگشت او در آمدن ثانی‌اش، در «جلال» ملکوت اوست.

پس هر که در این نسل زناکار و گناهکار از من و از سخنان من جخل گردد، پسر انسان نیز، آنگاه که در جلال پدر خویش با فرشتگان مقدس آید، از او جخل خواهد شد. مرقس ۸:۳۸.

همین "جلال" همان است که پطرس و یعقوب و یوحنا بر کوه تجلی شاهدش بودند. کوه تجلی نیز گام دوم بود که قیصریه فیلیپی بر آن مقدم و قیصریه ماری تیما لاحق بود. آزمون دوم نیز آزمون "تمثال وحش" است؛ آزمونی که مستلزم این تشخیص نبوی است که تمثال وحش در حال شکل‌گیری است. آزمون دوم همچنین همان بازرسی میزار از دانیال و دوستان اوست تا سیمای ایشان را با آنان که بقولات نمی‌خوردند مقایسه کند. این آزمونی بصری است. گام دوم در سه گام عهدی تاریخ عهد ابرام، "علامت" ختنه بود. گام دوم نمایانگر مهر شدن قوم خداست آنگاه که به‌عنوان علمی برافراشته می‌شوند. گام دوم همان‌جاست که "جلال" متجلی می‌گردد، زیرا سه گام فرشته نخست عبارت‌اند از خوف، "جلال" و داوری. روز چهارم فصل پنطیکاست با کوه تجلی مطابقت دارد. کفش‌هایت را از پاهایت بیرون کن، زیرا بر زمین مقدس ایستاده‌ای.

صعود، آزمونی بصری است؛ و در سلسله اعیاد، صعود که در روز چهارم واقع می‌شود، پنج روز پیش از خود مسبوق به عید شیپورهاست. عید شیپورها بر هشدار هفتمین شیپور دلالت می‌کند، که همان هشدار اسلام است.

عروج، پنج روز پس از شیپورهاست؛ و پنج روز پس از عروج، روز کفاره، نشان داوری است. شیپور همان راه‌های قدیم است؛ همان پیام لاودیکه‌ای است؛ همان اسلام است؛ و همان پیام زیربنایی فرشته نخستین است. پنج روز بعد، آنگاه که تعلیم «رو در رو» پایان می‌یابد، عروج نشان‌گر آزمون دوم دیداری فرشته دوم است. پنج روز پس از آن، داوری نشان‌گر فرشته سوم است.

پنج روز پس از آن که داوری بر خانه خدا به پایان رسیده است، داوری بر ایالات متحده آمریکا فرود می‌آید، چنان‌که روز پنطیکاست آن را مشخص می‌سازد.

و به ابرام گفت: یقیناً بدان که نسل تو در سرزمینی که از آن ایشان نیست، غریب خواهد بود و به آنان خدمت خواهند کرد؛ و آنان ایشان را چهارصد سال ذلیل خواهند ساخت؛ و نیز آن قوم را که خدمت‌ش خواهند کرد، من داوری خواهم کرد؛ و پس از آن، با دارایی بسیار بیرون خواهند آمد. پیدایش ۱۵:۱۳، ۱۴.

آن «جوهر عظیم» که یکصد و چهل و چهار هزار در هنگام قانون یکشنبه—آنجا که «ملت» ایالات متحده داوری می‌شود—دارا هستند، همان جوهر مذکور در باب ششم اشعیاست که نمایانگر الوهیت است. نبوت عهد ابراهیم می‌گوید: «نیز آن ملت»، و بدین‌سان آشکار می‌سازد که قوم خدا پیش از قانون یکشنبه مهر می‌شوند. سپس، در قانون یکشنبه، در دوره‌ای که با هفت روز عید خیمه‌ها تمثیل شده است، باران پسین بی‌حد فرو ریخته می‌شود، در همان حال که داوری بر انبوه عظیم بیرون از خانه خدا به انجام می‌رسد.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، دو شاهد در خیابان‌های سدوم و مصر کشته شدند. آن دو شاهد موسی و ایلیا بودند، و ویلیام میلر ایلیای تاریخ خویش بود. در رؤیایش لحظه‌ای چشمان خود را بست، و در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به‌گونه‌ای نبوی چشمان خود را در مرگ فرو بست. چون چشمانش را گشود، اتاق خالی بود، دری و پنجره‌ها باز بودند. آنگاه چون میلر کاری را که مرد جاروی خاک در دست انجام داشت دید، التماس‌کنان از او خواست محتاط باشد، و مرد جاروی خاک به او اطمینان داد که همه‌چیز نیکو خواهد شد.

وقتی میلر در بیابان در ژوئیه ۲۰۲۳ بیدار شد، عید نان‌های فطیر فرا رسید، درست پیشاپیش رستاخیز در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳. در آن مقطع—پیام نبوی فریاد حقیقی نیمه‌شب، آن «فریادی» که هر پیام نبوی دیگری که تاکنون مهرش گشوده شده بود آن را تمثیل می‌کرد—گشوده‌شدن مهرش آغاز شد، زیرا پایان سه و نیم روز، «وقت انتها» را مشخص می‌کند، و در «وقت انتها» همواره مهرگشایی نبوی رخ می‌دهد. این همواره چنین است، زیرا مسیح دیروز و امروز و تا ابد همان است. معاملات او با انسان‌ها همیشه یکسان است، زیرا او اکنون نیز بر همان «خطوط» عمل می‌کند که همواره کرده است. در پایان سه و نیم روز، مهر مکاشفه عیسی مسیح گشوده شد.

بدن قیام‌یافته در آدم - که نخست ساخته شد و سپس دم حیات در او دمیده گشت - به‌گونه‌ای نمادین پیش‌تصویر شده بود. استخوان‌های خشک مردگان، فصل ۳۷ حزقیال نیز نخست به‌وسیله یک نبوت شکل گرفتند، و سپس به‌واسطه نبوتی دیگر، که با پیامی از چهار باد دم حیات را به کالبد بی‌جان رسانید، جان یافتند؛ و آن پیام، پیام مهرکردن است. در هر دو تمثیل، نبوت مهرگشوده دو بخش دارد و به شیوه‌های گوناگون عرضه می‌شود. آن دو، درونی و بیرونی‌اند؛ رؤیاهای کنار نهرهای اولای و حدقل‌اند؛ رؤیاهای حازون و مرئه‌اند؛ دو شاهد، دو مجرای زرین، و جز اینها.

در تاریخ میلریتی، ندای نیمه‌شب نبوتی بود که با نبوت فرشته دوم پیوند یافت. نبوتی دوم‌مرحله‌ای. هنگامی که استخوان‌های خشک و مرده در سال ۲۰۲۳ برخیزانده شدند، از حیث نبوی ناگزیر می‌بایست آزموده شوند، زیرا گشودن مهر یک نبوت همواره فرایند آزمونی سه‌مرحله‌ای را آغاز می‌کند. دو آزمون نخست عبارت خواهند بود از آزمون بنیادی، و سپس آزمون هیکل.

پنج روز پس از رستاخیز، «ندای در بیابان» - که به‌وسیله ایام فطیر نمایانده می‌شود - پایان می‌یابد؛ زیرا ایلیا، که به‌وسیله میلر و یحیی تعمیددهنده نمایانده شده است، به‌وسیله آنان راه را برای آنکه ایشان شایسته حمل نعلین او نبودند، مهیا کرد. در رستاخیز، عیسی دوره تعلیم «رو در رو»ی خویش را به مدت چهل روز آغاز می‌کند. آن تعلیم «رو در رو» برای دانیال در باب دهم، در روز بیست‌ودوم آغاز شد. در آن‌جا به‌صورت سه گام و سه لمس، و نیز با دو بار تکرار قوت‌یافتن، تصویر شده است.

پنج روز پیش از آن‌که چهل روز به پایان رسد، هشدار شیپور اسلام به صدا درمی‌آید. هشدار اسلام به‌وسیله الاغی بازنموده شد که مسیح در ورود ظفرمندان‌اش به اورشلیم بر آن سوار شد. پیش از آن‌که از دامنه‌های کوه زیتون به اورشلیم فرود آید، نخست به شاگردان خویش فرمان داد که بروند و الاغ را باز کنند.

این رؤیا در سال ۱۸۴۷ داده شد، زمانی که تنها شمار بسیار اندکی از برادران ادونتیست سبت را نگاه می‌داشتند و از میان همان اندک نیز، فقط معدودی می‌پنداشتند که نگاه‌داشتن آن از چنان اهمیتی برخوردار است که بتواند میان قوم خدا و بی‌ایمانان خط تمایزی بکشد. اکنون تحقق آن رؤیا کم‌کم آشکار می‌شود. «آغاز آن زمان تنگی» که در اینجا ذکر شده، اشاره به هنگامی که بلاها آغاز به ریخته شدن می‌کنند ندارد، بلکه به دوره‌ای کوتاه درست پیش از ریخته شدن آن‌ها اشاره دارد، زمانی که مسیح در قدس است. در آن هنگام، در حالی که کار نجات رو به پایان است، مصیبت بر زمین خواهد آمد و ملت‌ها خشمگین خواهند شد، اما مهار می‌شوند تا مانع کار فرشته سوم نگردند. در آن زمان «باران پسین»، یا تجدید نیرو از حضور خداوند، خواهد آمد تا به صدای بلند فرشته سوم قدرت بیخشد و قدیسان را آماده سازد تا در دوره‌ای که هفت بلای آخر ریخته خواهد شد، بایستند." نوشته‌های نخستین، ۸۵.

در ۱۱ سپتامبر او به فرشتگان خویش فرمان داد تا الاغ را از بند بکشایند و سپس جورج بوش پسر الاغ را مهار کرد. کوروش نمونه نمادین فرشته نخست است، زیرا نخستین فرمان را صادر کرد. از این‌رو او هم نمایانگر ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و هم ۱۱ سپتامبر است، و در ۱۱ سپتامبر اسلام، که «به خشم آوردن امت‌ها» نما

آن است، رها گردید و سپس در مهار نگاه داشته شد. در همان زمان باران پسین آغاز به باریدن کرد. کوروش نمایانگر هر دو نشانه راه اسلام در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر است.

"به مدت سه هفته جبرئیل با قوای تاریکی پیکار کرد تا تأثیراتی را که بر ذهن کوروش کارگر بود خنثی سازد؛ و پیش از آن که این نبرد پایان یابد، خود مسیح به یاری جبرئیل آمد. رئیس مملکت فارس بیست و یک روز در برابر من ایستادگی کرد؛ جبرئیل اعلام می‌کند؛ 'اما اینک میکائیل، یکی از سروران ارشد، برای یاری‌ام آمد؛ و من در آنجا نزد پادشاهان فارس ماندم.' دانیال ۱۰:۱۳. هرآنچه آسمان می‌توانست به نفع قوم خدا انجام دهد، انجام شد. سرانجام پیروزی حاصل گشت؛ نیروهای دشمن در تمام ایام کوروش و در تمام ایام پسرش کمبوجیه، که حدود هفت سال و نیم سلطنت کرد، مهار شدند." انبیاء و پادشاهان، ۵۷۱.

در تاریخ کوروش، و در یازدهم اوت ۱۸۴۰، آنگاه که به تعبیر پیشگامان، سلطه عثمانی پایان یافت، اسلام مربوط به وای دوم مهار شد. این مهار، خاتمه نبوت زمانی سیصد و نود و یک سال و پانزده روز را نشان داد؛ نبوتی که از آن هنگام آغاز شد که چهار فرشته—که نمایانگر چهار سلطان اسلامی بودند—به دست فرشته ششم رها گردیدند؛ همان که نماینده وای دوم از سه وای اسلام بود. در یازدهم سپتامبر، اسلام ضربه زد و سپس مهار شد، چنان که مهارشدن در تاریخ کوروش و در ۱۸۴۰ نمایانده شده است. هر سه آن گواهان، مهار یا رهاسازی اسلام را نشان می‌دهند، و در آغاز ورود ظفرمندان مسیح، الاغ رها شد.

رها شدن الاغ پیش از ورود ظفرمندان او، معرف پیام شیپور است که پنج روز پیش از صعود فرا می‌رسد. پیام رها شدن دوباره اسلام—چنان که در ۱۱ سپتامبر بود و چنان که پانزده روز بعد، در قانون یکشنبه که همان پنتیکاست است، بار دیگر رها خواهد شد—همان پیامی است که آغاز فریاد نیمه شب را نشان می‌گذارد. رها شدن الاغ آغاز یا آلفای اعلان پیام فریاد نیمه شب را نشان می‌دهد، و در قانون یکشنبه، آنجا که فریاد نیمه شب به فریاد بلند مبدل می‌شود، اسلام بار دیگر بر وحش زمین ضربه می‌زند.

دوره فریاد نیمه شب با ضربه‌ای آلفا از سوی اسلام آغاز می‌شود و با ضربه‌ای اومگا از سوی اسلام پایان می‌یابد. ضربه‌های اسلام بر ایالات متحده در شهادت بلعام و الاغ او بازنمایی شده است، که البته در سفر اعداد، باب بیست و دوم، آمده است. سرنوشت کلیسای ادونتیست روز هفتم لائودیکیه‌ای، به منزله شاخ پروتستان وحش زمین، در اشعیا ۲۲:۲۲ (داخلی) بازنمایی شده است؛ و سرنوشت شاخ جمهوری خواه در اعداد ۲۲:۲۲ (خارجی) و پس از آن بیان شده است.

و خشم خداوند به سبب آنکه او رفت، برافروخته شد؛ و فرشته خداوند بر سر راه او ایستاد تا به منزله خصمی بر ضدش باشد. و او در آن هنگام بر الاغ خویش سوار بود، و دو خادمش با او بودند.

و الاغ فرشته خداوند را دید که بر سر راه ایستاده بود و شمشیر برهنه‌اش در دستش بود؛ پس الاغ از راه منحرف شد و به کشتزار رفت؛ و بلعام الاغ را زد تا او را به راه بازگرداند. اعداد ۲۲:۲۲، ۲۳.

در ۱۱ سپتامبر، بلعام نبی کاذب، که نمایانگر ایالات متحده و جرج بوش پسر بود، می‌کوشید کاری را به انجام رساند که پدرش، جرج بوش نخست، در چارچوب تلاش جهانی‌گرایان برای برانداختن ایالات متحده و اجرای آنچه او «نظم نوین جهانی» می‌نامید، آغاز کرده بود. انگیزه کتاب مقدسی جهانی‌گرایان کشتن قوم باقیمانده خداست، و جرج بوش پسر نمایانگر پایان میراث پیشگویانه پدرش در به صحنه آوردن «نظم نوین جهانی» - به تعبیر او - است. «نظم نوین جهانی» بوش در قانون یکشنبه به اتحاد سه‌گانه اژدها و وحش و نبی کاذب می‌رسد، و جرج بوش پسر آغاز دوره‌ای را نشان می‌دهد که در قانون یکشنبه به اوج می‌رسد؛ دوره‌ای که زمان مهرشدن، زمان آزمون صورت وحش، دوره نمایانده شده

به وسیله نخستین صدای باب هجدهم مکاشفه، و بسیار بیش از این است. الاغ بلعام دستورکار جهانی‌گرایان را به کناری راند تا زمانی که یک صد و چهل و چهار هزار تن بر پیشانی‌هایشان مهر شوند.

سرود یا مزموری از آساف. ای خدا، خاموشی مگیر؛ سکوت مفرما و آرام منشین، ای خدا. زیرا اینک دشمنانت غوغا می‌کنند، و آنان که از تو نفرت دارند، سر برافراشته‌اند. بر ضد قوم تو مکارانه مشورت کرده و بر ضد مخفیان تو رایزنی کرده‌اند. گفته‌اند: بیایید ایشان را از قوم بودن منقطع سازیم، تا نام اسرائیل دیگر به یاد نیاید. زیرا با یک دل با هم مشورت کرده‌اند؛ بر ضد تو هم‌پیمان شده‌اند. مزمور ۸۳: ۵

آیات ششم به بعد «دشمنان» را «ده» ملت معرفی می‌کند که در کتاب مکاشفه، باب هفدهم، به صورت «ده پادشاه» نمایانده شده‌اند. در آنجا آن ده پادشاه یک‌دل‌اند، اما آساف می‌گوید: «با یک رأی با هم مشورت کرده‌اند؛ بر ضد تو هم‌پیمان شده‌اند.» آن ده پادشاه کنفدراسیون شرور جهان‌گرای ایام آخوند که مصمم‌اند «اسرائیل»، «پنهانیان تو»، را از «قوم بودن» منقطع کنند. کار کنفدراسیون ده پادشاه که قدرت‌پایی را به عنوان «سر» اتحاد سه‌گانه «برمی‌افرازند»، از میان برداشتن «اسرائیل» روحانی است؛ آنان که در «مخفیگاه حضرت متعال» پنهان‌اند.

در یازده سپتامبر، الاغ اسلام طرح اژدها را از مسیرش منحرف کرد، زیرا فرشته مقتدر مکاشفه هجده با شمشیری در دست فرود آمد. آنگاه آزمون درونی بازگشت به طرق کهن بود. در آن مقطع، تکرار تاریخ‌های میلرایتی هر دو فرشته نخست و دوم، چنان‌که در تاریخ سه‌آیه نخست مکاشفه هجده بیان شده است، آغاز شد. همان سه‌آیه نخست، آیاتی‌اند که خواهر وایت بیان کرده بود هنگامی تحقق خواهند یافت که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو افکنده شوند.

در ۱۱ سپتامبر، مکاشفه ۳۱:۱۸ تحقق یافت، و واقعه موازی فرود آمدن فرشته نخست در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ برای روشن ساختن زمین با جلال خویش، آنگاه با فرشته دوم که سقوط بابل را اعلام کرد، همراه شد. بلعام نماد فرشته نخست بود، و بلعام را دو خادم همراهی می‌کردند که نمایانگر فرشته دوم بودند.

در تمثیل بلعام از شاخ جمهوری‌خواه نبی کاذب، بلعام قرار بود دو رویارویی دیگر با الاغ اسلام داشته باشد. در سومین رویارویی، الاغ «به سخن» خواهد آمد، و به سخن آمدن نبوت، نشان‌دهنده قانون یکشنبه است. در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ الاغ بار دیگر ضربه زد، اما نه به سرزمین مجید مدرن روحانی. او به سرزمین مجید باستانی واقعی ضربه زد، و بلعام و الاغش اکنون در دومین رویارویی خود قرار داشتند.

لیکن فرشته خداوند در راهی میان تاکستان‌ها ایستاد، که از این سو دیواری بود و از آن سو دیواری. و چون الاغ فرشته خداوند را دید، خود را به دیوار فشرد و پای بلعام را بر دیوار خرد کرد؛ و باز او را زد. اعداد ۲۲:۲۴، ۲۵.

تاکستان اسرائیل باستان، تمثیلی از تاکستان ادونتیسیم روز هفتم لائودیکی است. هر دو، قوم عهد هستند که مسئولیت یافتند امانت‌داران شریعت خدا باشند؛ شریعتی که نماد آن «دیوار» است و یکی از عناصر تشکیل‌دهنده تاکستان به شمار می‌آید.

دیگر چه می‌توانستم برای تاکستان خود انجام دهم که در آن نکرده باشم؟ پس چرا، چون انتظار داشتم که انگور بیاورد، انگور وحشی آورد؟ و اکنون، بیایید؛ به شما خواهم گفت که با تاکستان خود چه خواهم کرد: پرچینش را برخوادم داشت و خورده خواهد شد؛ و دیوارش را فرو خواهم ریخت و پایمال خواهد شد. اشعیا ۵:۴، ۵.

اسرائیل باستان جسمانی و اسرائیل روحانی معاصر هر دو ترمذ ورزیدند و مسئولیت‌های مقدس خویش را رد کردند. از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، مسئله‌ای نبوی با نماد «دیوار» نمایانده می‌شود. آن

مسئله نبوی عبارت است از ویرانی «دیوار» جدایی کلیسا و دولت در چارچوب قانون اساسی ایالات متحده آمریکا. در ۱۱ سپتامبر، بوش قانون پاتریوت (Act) را به اجرا گذاشت که گامی مهم در واژگون‌سازی قانون اساسی بود؛ زیرا همان‌جا فلسفه‌ای که قانون اساسی را راهبری می‌کرد وارونه شد، آنگاه که اصول حقوق رومی - که ادعا می‌کند شخص مجرم است مگر آن‌که بی‌گناهی او ثابت شود - بر اصل حقوق انگلیسی - که بر بی‌گناهی شخص مگر آن‌که مجرم بودن او ثابت گردد تأکید دارد - ارجح دانسته و پذیرفته شدند.

دوره‌ی میان یازدهم سپتامبر تا قانون یکشنبه، مشتمل بر اشارات نبوی به «دیوارها» است. این‌که اسلام، چونان خر بلعام، دیوارها را در هم می‌کوبد، دلالت می‌کند بر این‌که همین مسئله اسلام است که منطق گمراه‌کننده‌ای برای نقض اصول مندرج در قانون اساسی فراهم خواهد آورد. در این معنای نبوی، اسلام - نبی کاذب کتاب مقدسی - همان است که در زمان آزمون تمثال وحش، ایالات متحده را می‌فریبد؛ چنان‌که نبی کاذب ایالات متحده نیز در زمان آزمون جهانی تمثال وحش، سراسر جهان را می‌فریبد.

در ۷ اکتبر ۲۰۲۳، الاغ اسلام به سرزمین جلال کهن حرفی حمله کرد؛ و هنگامی که آن الاغ پیش از اعلان فریاد نیم‌شب رها شود، اسلام بار دیگر به ایالات متحده - سرزمین جلال روحانی معاصر - همان‌گونه که در ۱۱ سپتامبر کرد، ضربه خواهد زد. دومین باری که بلعام الاغ را می‌زند، متناظر با فرشته دوم است، و فرشته دوم همواره دوگانگی پدید می‌آورد، چنان‌که با «راه تاکستان‌ها» با دو دیوار نمایانده شده است.

و فرشته خداوند باز پیشتر رفت و در جایگاهی تنگ ایستاد، که در آن نه به راست و نه به چپ راهی برای پیچیدن نبود. و چون الاغ فرشته خداوند را دید، زیر بلعام فرو افتاد؛ و خشم بلعام برافروخته شد و با عصا الاغ را زد. و خداوند دهان الاغ را گشود، و او به بلعام گفت: به تو چه کرده‌ام که این سه بار مرا زده‌ای؟ اعداد ۲۶:۲۲-۲۸.

وقتی آیات بیست و دو و بیست و سه را با دقت بیشتری بررسی می‌کنیم، درمی‌یابیم که در واقع در آیه بیست و سه است که الاغ برای نخستین بار مورد ضرب قرار می‌گیرد.

و خشم خداوند به سبب آنکه او رفت، برافروخته شد؛ و فرشته خداوند بر سر راه او ایستاد تا به منزله خصمی بر ضدش باشد. و او در آن هنگام بر الاغ خویش سوار بود، و دو خادمش با او بودند.

و الاغ فرشته خداوند را دید که بر سر راه ایستاده بود و شمشیر برهنه‌اش در دستش بود؛ پس الاغ از راه منحرف شد و به کشتزار رفت؛ و بلعام الاغ را زد تا او را به راه بازگرداند. اعداد ۲۲:۲۲، ۲۳.

غضب خداوند بر بلعام، به سبب پذیرفتن درخواستی مبنی بر نبی کاذب شدن، با پایان دادن مسیح به گفت‌وگوی خویش با یهودیان مجادله‌گر در آخرین آیه باب بیست و دوم انجیل متی موازی بود. آیه بیست و سوم باب بیست و دوم سفر اعداد با باب بیست و سوم متی متناظر است، و آیات بیست و چهارم و بیست و پنجم اعداد با باب‌های بیست و چهارم و بیست و پنجم متی متناظرند. آیات بیست و ششم، بیست و هفتم و بیست و هشتم با باب‌های بیست و ششم، بیست و هفتم و بیست و هشتم متی متناظرند.

متی باب ۲۳ فرشته اول است؛ باب‌های ۲۴ و ۲۵ فرشته دوم‌اند و باب‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۸ فرشته سوم‌اند. در اعداد باب ۲۲، آیه ۲۳ فرشته اول است؛ آیات ۲۴ و ۲۵ فرشته دوم‌اند و آیات ۲۶، ۲۷ و ۲۸ فرشته سوم‌اند. متی خطاب به قوم عهد، اعم از عهد قدیم و عهد جدید، است؛ اعداد نقش اسلام را به‌عنوان ابزار تأدیب خدا بر عبادت روز یکشنبه که در ایالات متحده آمریکا آغاز می‌شود و سپس در سراسر جهان گسترش می‌یابد، مشخص می‌کند. پس از سومین ضربت، هنگامی که الاغ سخن

می‌گوید، بلعام به آنچه تازه رخ داده بود آگاه می‌شود.

آنگاه خداوند چشمان بلعام را گشود، و او فرشته‌ی خداوند را دید که در راه ایستاده است و شمشیر برهنه در دست دارد؛ پس سر فرود آورد و به رو بر زمین افتاد. و فرشته‌ی خداوند به او گفت: «چرا این سه بار الاغت را زده‌ای؟ اینک برای ایستادگی در برابر تو بیرون آمده‌ام، زیرا راحت در حضور من منحرف است. و الاغ مرا دید و این سه بار از پیش روی من کنار رفت؛ و اگر او از برابر من کنار نرفته بود، هم‌اکنون یقیناً تو را می‌کشتم و او را زنده می‌گذاشتم.» آنگاه بلعام به فرشته‌ی خداوند گفت: «گناه کرده‌ام، زیرا نمی‌دانستم که تو در راه بر ضد من ایستاده‌ای. پس اکنون، اگر در نظرت ناپسند است، باز می‌گردم.» اعداد ۳۱:۲۲-۳۴.

بلعام نماینده‌ی نبی کاذب است؛ یعنی ایالات متحده‌ی آمریکا که در هنگام قانون یکشنبه چون اژدها سخن می‌گوید. در قانون یکشنبه، هنگامی که او منور می‌گردد، او نماینده‌ی کسانی است که هنوز در بابل‌اند؛ کسانی که آنگاه نسبت به مسئله‌ی قانون یکشنبه بیدار شده و فراخوانده می‌شوند تا از بابل بیرون آیند.

پنج روز تعلیم پیام نان فطیر از جانب میلر، سپس سی روز تعلیم کاهنان خویش از سوی مسیح، که با عدد سی نمایانده می‌شود، که می‌انجامد به پیام هشدار کرنا درباره‌ی گشودن بند الاغ، که پنج روز پیش از برافراشته شدن رایت است، که پنج روز پیش از در بسته در مثل ده باکره است، که پنج روز پیش از قانون یکشنبه پنتیکاستی است، که دوره هفت‌روزه‌ی عید خیمه‌ها را آغاز می‌کند، که همان افاضه‌ی کامل باران دیر هنگام در خلال بحران قانون یکشنبه است، زیرا آزمون آن دوره بر سر روز هفتم است.

عدد پنج نماد دوشیزگان است، خواه خردمند خواه نادان. عدد سی نماد کاهنان است؛ نام «لاویان» بر همین امر دلالت دارد. عدد هفت سبت است. سفر لاویان، باب بیست‌وسوم، تاریخ کاهنان، لاویان ملاکی باب سوم، دوشیزگان خردمند و یکصد و چهل و چهار هزار را در زمان آزمون سبت به تصویر می‌کشد.

این موارد را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.